

متن پرسش

با سلام و عرض ادب خدمت شما استاد عزیز: استاد یک سوال فنی فلسفی داشتم. آقای داوری اردکانی در کتاب فلسفه در دام ایدئولوژی یک جایی موضع تاریخ گرایی خودشان را توضیح می دهند و می گویند سه نگاه به تاریخ می شود داشت: ۱. تاریخ زدگی (historism) و ۲. تاریخ انگاری (historicism) و ۳. گذشت از تاریخ زدگی و تاریخ انگاری. می گویند موضع امثال پوپر که مدافع وضع موجود عالم هستند اولی هست. موضع امثال هایدگر و گادامر که متذکر به مطلق نبودن تاریخ غربی هستند دومی هست اما ایشان در ادامه می گویند باید از هر دو تای این ها گذشت و نگاه سوم را داشت. برداشت من این هست که نگاه توحیدی ناب همین سومیه پس چرا ایشان پس از چهل سال همچنان در موضع دوم هستند و تاریخ برایشان از خود حقیقت ثابت و رای تاریخ اصالت بیش تری دارد؟ ۲. باتوجه به تقریر بالا از تاریخ استاد نگاه شما به تاریخ کدامه؟ آیا مثل هایدگر و گادامر دومیه یا سومیه؟ اگر دومی هست نه سومیه علتش چیه؟ آیا نگاه دوم با تفکر اسلامی توحیدی تناسب دارد و قابل پذیرشه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده هایدگر و گادامر و دکتر داوری را شخصیتی می دانم که از تاریخ زدگی و تاریخ انگاری عبور کرده اند و به عصری بودن «وجود» نظر دارند.

عصری دیدن «وجود» از نکات مهمی است که جهت بحث عدم استتار یا انکشاف در دل فضایی باز، فضایی که در عین انکشاف، دارای نسبت استتار است و از این جهت متوجه می شویم موجودات به صورت خاصی ظهور و حضور می یابند که مربوط به میدان انکشافی است که در آن قرار دارند و معنای عصری دیدن «وجود» را باید در این رابطه مد نظر قرار داد و بر این اساس به انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مظاهر «وجود» در این تاریخ نظر کرد و در آن مأوا گزید تا همچنان که هایدگر می فرماید در خانه «وجود» مأوا گزیده باشیم. موفق باشید